

ضرب‌المثل‌های رایج در بین مردم رودبار الموت و رودبار شهرستان واقع در استان قزوین

دکتر نصرالله عسگری*

asgari@alamat-valley.com

بخشی از دانش عامه در قالب ضرب‌المثل‌ها به صورت شفاهی و سینه به سینه طی سالیان متمادی از یک نسل به نسل دیگر انتقال یافته است. ضرب‌المثل‌ها برخوردار از مفاهیم عمیقی هستند و تمام شئون زندگی را در بر می‌گیرند. مطالعه ضرب‌المثل‌ها می‌تواند اطلاعات ذیقیمتی را در زمینه آداب و رسوم، همیاری‌ها، کمک به هم‌نوع، اخلاق، باورها، عقاید، خرافات، غم‌ها، شادی‌ها، طرز تفکر و... در اختیار خواننده قرار دهد. بدین ترتیب با مطالعه ضرب‌المثل‌ها می‌توان با روحیات مردم آن منطقه آشنا شد. آنچه در زیر می‌آید نمونه‌ای از امثال است که در گویش مردم رودبار الموت و رودبار شهرستان واقع در استان قزوین متداول است که بومیان این دو منطقه به هنگام لزوم از آنها کمک می‌گیرند. در ضمن لازم می‌دانم از خانم نرگس معصومی که در جمع‌آوری ضرب‌المثل‌ها با نگارنده نهایت همکاری را داشته‌اند صمیمانه تشکر کنم.

*دست دست می‌شوره، دست و می‌گرده دیم می‌شوره.

dast daste mišure, dast va meyardar dime mišure

دست دست را می‌شوید، دست برمی‌گردد صورت را می‌شوید.

(در مورد کمک کردن به دیگران گفته می‌شود.)

*فلانی اندی شیرینه بنی تل نانی میان بخور.

folâni endi širine beni tel nâni miyân boxor

فلانی این قدر شیرینه، میان نان تلخ بگذار و بخور.

(در مورد اخلاق خوب افراد گفته می‌شود که تمام بدیهای آنها را می‌پوشاند.)

*همه جایی کدخدا خودشه نمک سری کدخدا من

hamé Jâe kadxodâ xadeše namak sari kadxodâ men.

همه جا کدخدا خودش است، موقع تقسیم نمک مرا کدخدا می‌داند.
کارهای مهم و خوب را خودش انجام می‌دهد و کارهای پست و بی ارزش را به دیگران می‌سپارد.
*بُزک بسته نین باز آکن رقصش را بین

bozak baste neyn bazâkon raqsaš râ beyn

بزی که بسته است را نبین، باز کن (دست و پاهایش) بعد رقصش را ببین.
(از ظاهر افراد نمی‌توان به باطن آنها پی برد. معادل فلانی آب نمی‌بیند ولی شناگر ماهری است).
*هر چی خوره گُرا شو لنگانش وِر وِرا شو

harçi xore kurašu lengânaš var vara šū.

هر چی می‌خوره معلوم نیست کجا می‌رود، همچنان نحیف و لاغر است.
*پاییزی روز خری دُمی درازیه

pâyizi ruz xari domi derâzye

روزهای پاییز اندازه دم خر است. (چون روزهای پاییز کوتاه است نباید فرصت را از دست داد).
*بادشتی (بادشت نام محلی است) کرک لان نشیه چی به خُتیی

badašti kark lan nešye či bexoti

مرغ بادشت به لانه‌اش نرفته، چرا خوابیدی. (در مورد افرادی که سرشب می‌خوابند گفته می‌شود).
*بشو عربستان مادیانِ بین کره‌اشِ بستان

bošu arabestân madiyân bin koreaš bestân

برو عربستان مادیان را ببین کره‌اش را بخر. (در معنی اینکه فرزندان را می‌توان از روی اخلاقیات خانواده شناخت، نظیر دختران پایشان را در کفش مادران می‌کنند).

*عاشقی مارو می‌رسه مهتو شو می بو

âšqi mâro mirese mahtū šū mibū

عاشقی که به ما رسید شب مهتابی شد. (وقتی کاری نوبت ما شد همه چیز عیان شد، معادل نوبت به اولیا که رسید آسمان تپید).
* هر چی که مایی نوبت می‌بو درد و بلا زود وِرسه

harçi k mây nowbat mibū dard o balâ zūd varese

هر چی که به ما می‌رسد آفت جان ما می‌شود (معادل به ما که رسید آسمان تپید).
*امسالی میجه پارسالی میچی کار وکتیه

emsâli mije parsâli mije kâr vakatiya

کار جوجه پارسال به جوجه امسال رسیده است. (در معنی فرد تازه به دوران رسیده افراد با تجربه را قبول ندارد.)

*هر چی او نه بگوتی خودت می دانی کل شفیع مرانی (مران نام محلی است) بگوتی

harçi oni beguti xodat midâni kal šafi marâni beguti

هر چی به او بگویی انگار به شفیع کچل مرانی گفتی. (معادل یاسین در گوش خر خواندن است.)

*آقا جُمال، آقا جُمال تو پیش دری من تی دُمال

âqâ Jomâl, âqâ Jomâl to piš dari man ti domâl

آقا جمال، آقا جمال تو از جلو می روی و من از پشت دنبال تو هستم (در معنی کسی که کارهایش را دیگران انجام می دهند.)

*کل کور و می خنده کل مبتلا ر

kal kuro va mixande kol mobtala ré

کچل کور را مسخره می کند و آدم چلاق بیمار را (نظیر دیگ به دیگ می گوید رویت سیاه).

*باد می زنه مایی به قو می آره

bâd mizane mâyi ye qu miorh

باد می زند و برای ما قو می آورد (معادل مار از پونه بدش می آید در لانه اش سبز می شود.)

*سه سه تُک سه تُک، صلی علی بر تی تُک

سه لب سه لب، صلوات و سلام بر لب تو (در معنی به افرادی که حاضر جواب هستند گفته می شود.)

*دیو دره هیچ دیو دنی

div dare hič div deni

دره دیوها هیچ دیو ندارد.

(در مورد محلی که شلوغ است و با ورود عده ای شلوغ تر می شود، گفته می شود.)

*دیگ و گردانی دیگ سر پیدا می بو

dig va gardâni dige sar peydâ mibu

دیگ را برگردانی سر دیگ پیدا می شود (معادل کبوتر با کبوتر باز با باز.)

*میان خودمانه می گُشه میدان مردمه

miyân xodemâne mikoše meydân mardome

درونمان خودمان را کشته و بیرونمان مردم را

(معادل صورت خود را با سیلی سرخ نگاه داشتن.)

*نانجیب به جایی برسه گُنس پوس هامینه

nanajib be jâyi barase konese pus hâmine

نا نجیب به مقامی برسد پوست از گیل را می‌کند.
(در معنی کسی را به کاری بگمارند که صلاحیت آن کار را ندارد.)
*حرف بزنی تُک دهنی می‌خوری سِنگ سیاه یمنی می‌خوری

harf bezani tok dahani mixori seng siyâhe yamani mixori

اگر حرف بزنی تو دهنی می‌خوری، سنگ سیاه یمنی می‌خوری.
(معادل زبان سرخ سر سبز می‌دهد بر باد.)
*بزی اجل سر بو گالشی نان سفره‌ای می‌خوره

bozi ajal sar bu gâleşî nâne sofreyi mixoreh

وقت مردن بز برسد نان سفره چوپان را می‌خورد.
(در معنی کسی که اجلش رسیده باشد به دست دشمن بهانه می‌دهد.)
*انبر کله بنیی کل بز پار راست هامینه

anbor kallé beniye kal boz pâre rast hâminiyé

انبر را در اجاق بگذارای بز شل پایش را بلند می‌کند.
(در معنی کسی که عیب و نقصی دارد با بیان مطلب یا اشاره‌ای خود را نشان می‌دهد.)
*فلانی رُ او بیره ولی خانه‌اش نبره

folâni re ow bebare valy xâneaš nabaré

فلانی را آب ببرد ولی خانه نبرد.
(منظور کسی است که زیاد در خانه نمی‌ماند و به اصطلاح در دردی است.)
*نانجیب به منصب برسه به نان نمی‌رسه

nânajib be mansab barase be nân namirese

رتال جامع علوم انسانی
نانجیب به منصب برسد به نان نمی‌رسد.
(در معنی نانجیب هر چقدر پایگاه اجتماعی‌اش بالا برود باز هم کم‌ارزش است.)
*گو تا دشت نیا شو نیمیا

gow tâ dašt niyâ šow niymiyâ

گاو تا از چرا برنگردد برای دامدار شب نشده است.
(در معنی تا عمر و زمان از دست نرود متوجه پیامد آن نیست.)

*بزی مو گران ببو مار خواری سر نمی تراشه

bozi mu gerân bebu mâr xoâri sar nemitarâša

موی بز گران شود سر مادر و خواهر را نمی تراشند.

(در معنی اگر وضع اقتصادی خراب شد به خانواده نباید فشار آورد، معادل اگر کف دست مو دارد بکن.)

*کاه تیی نیه کاهدان که تییه

kâh tiye niye kâhdân ke tiye

کاه مال تو نیست کاهدان که برای توست.

(در معنی مال برای تو نیست ولی تو باید حد و اندازه خود را بدانی.)

*سگ زورا زوری بیری شکار

Sagé zurâ zury baberi šekâr

سگ را به زور بیری شکار

(در معنی کسی که با میل و رغبت کاری را انجام نمی دهد.)

*کار ورزا هامینه پیچا خستیه

karé varzâ hâminé piča xastiya

کار را گاو نر می کند گربه خسته است.

*کربلا شیین وی هانیه، کربلا میان خانیه

karbalâ šiyân vi hâniya karbalâ miyân xâniya

کربلا رفتن بهانه است، کربلا میان خانه است.

(معادل چراغی که به خانه رواست به مسجد جرام است.)

*کوه ر نمی تانی جوآرشی وگرد یه جای دیگه

kuh re namitâni joârši vagardi jây dige

اگر از کوه مستقیم نمی توانی بالا بروی، دور بزن.

(در معنی اگر نمی توانی چیزی را تغییر دهی باید روش خودت را عوض کنی.)

*این داری سر اون داری سر علی ممدی گل داری سر

ine dâri sar own dâri sar ali mamadi gol dâri sar

روی این درخت، روی آن درخت، روی درخت گل علی محمد.

(در معنی کسی که زیاد به بیرون رفتن از خانه تمایل دارد.)

*برنج دَبو انباره پِلا پَتِن چه کاره

berenj dabu ambâreh pelâ paten čekâre

اگر برنج در انبار باشد پختن پلو کاری ندارد.

(در معنی اگر اسباب و لوازم کاری فراهم باشد انجام آن کار مشکلی ندارد.)

*نه تش می‌خا نه کله گردِ کلاسِ پر دله

na taš mixa na kalé gerde kelâs por dele

نه آتش می‌خواهد نه آتشدان، کلاس گرد (نوعی نان) پر مغز

(در معنی کسی که سرد و گرم روزگار را چشیده و اطلاعاتش زیاد است به چیز دیگری نیاز ندارد.)

*هر مردی سر کلاه دَبو مرد نیه، زنی سر چارقد دَبو زن نیه

har mardi sar kolâh debu mard niyâ zani sar çârqađ debu zan niya

سر هر شخصی کلاه باشد مرد نیست، سر هر زنی هم روسری باشد زن نیست.

(در معنی مرد یا زن بودن به ظاهر نیست.)

*فلانی عین چرخ چنبر می‌چرخه

folâni eyn çarx çanbar miçarxe

فلانی مثل چرخ ریسندگی می‌چرخد. (معادل فلانی مثل فرفره است، در معنی کسی که کارهایش را تند و سریع انجام می‌دهد و

کار امروز را به فردا واگذار نمی‌کند.)

*گوری سری حلوا خور

guri sari halvâ xor

حلواخور سر گور، نظیر زنگوله‌ی پای تابوت

(در معنی به شخصی گفته می‌شود که پیر باشد و فرزند خیلی کوچکی داشته باشد.)

*بگو بگو یا جان کم می‌بو یا مال

bogu bogu ya jân kam mibu yâ mâl

با بگو مگو یا جان آدم از بین می‌رود یا مالش

(در معنی مجادله یا عمر را کم می‌کند یا ثروت را.)

*چپه پا رِ پیشِ بنیم یا راستِ پا رِ

çape pâ re piš benim yâ râst pâ re

پای چپ را جلو بگذاریم یا پای راست را

(در معنی برای رفتن به خواستگاری گفته می‌شود.)

*هر که سرخه ریشه تی پیری قوم خویشه

harke sorxe riši ti peyre qumo xiše

هر کس ریشش قرمز است مگر فامیل پدر توست.

(معادل مگر هر کی ریش دارد پدر توست.)

*انبومی سری پوت نخ

anbumi sari put nax

نخ پوک سر کیسه

(در معنی به شخص شُل و بی اراده گفته می‌شود که با هر فشاری تغییر رفتار می‌دهد.)

*سرخ و سفید چغندر زن می‌خا هنر داشته بو، گیس بلند دُم خره زن می‌خا هنر داشته بو

sorx o sefid čoqondare zan mixâ honar dâšte bu gis boland dom xare

zan mixâ honar dâšte bu

سرخ و سفید چغندر است زن باید هنر داشته باشد، موی بلند دم خر است زن باید هنر داشته باشد.

(در معنی از قیافه و موی زن به زن بودن او نمی‌توان پی برد و زیبایی زن به هنرش است.)

*گوشی پشته زرچوبه دیتیه

guši pošte zarčube deytiye

پشت گوشش را زردچوبه مالیده است.

(در معنی اینکه بی غیرت است.)

*ورزای بی شوشک

varzâye be šušuk

گاو نر بدون چوب

(در معنی به شخص عاقل و سر به زیر گفته می‌شود.)

*فلانی آچینه بز دواردی بن دِ درشیه

folâni ačîn boz devârdi ben de daršiya

فلانی انگار که مثل بز از زیر قیچی مو زنی فرار کرده باشد. (در معنی در مورد افرادی که از زیر کار در می‌روند به کار می‌رود.)

*باران بزه ترکان دیم آمه

bârân bazeh tarakân dim âme

باران بارید و ترکها از بین رفتند.

(در معنی اینکه با تغییر کردن شرایط عیب ها هم پوشیده می شود.)

*تقی کلاه نقی سر، نقی کلاه تقی سر

taqi kolâh naqi sar naqi kolâh taqi sar

کلاه تقی سر نقی، کلاه نقی سر تقی

(معادل شیر تو شیر، در معنی وقتی اوضاع و شرایط بهم ریخته است.)

*تو ها کنی من هو کنم، تو زن بری من شو کنم

to hâ koni men hu kânom to zen bary men šu kânom

تو ها می کنی من هو می کنم تو زن ببری من شوهر می کنم. (معادل جواب های هوی است، در معنی برای خط و نشان کشیدن

طرفین به کار می رود، یعنی هر کاری تو انجام دهی من هم متقابلاً انجام می دهم.)

*اول سر می شکنه دوباره دامنه کشمش می ریزه

aval sare miše kané dobâré damané kešmeš mirizeh

اول سر را می شکنند بعداً دامن را کشمش می ریزد.

(در معنی اول کار خودش را می کند بعد منت کشی می کند.)

*بخور سیر نال زار زار

boxor sir sir nanâl zâr zâr

کم بخور تا زار زار ننالی. (در معنی کم بخور همیشه بخور)

*شویی او، روزی خو، معده خراب مینه، بیوه زن کره دار خانه خراب مینه

šoŷi ow, ruzi xo mede xarâb meyne, bivé zan kore dâr xâne xarâb meyne

آب شب و خواب روز معده خراب می کند، زن بیوه بچه دار خانه را خراب می کند.

*سگ آدم بیره بهتره تا آدمی بیته

sag âdam beyre behtare tâ âdami beyte

سگ آدم را بگیرد بهتر است تا شخصی با انسان بد رفتاری کند.

(در معنی اثر بد رفتاری انسان بیشتر می ماند تا گاز گرفتگی سگ.)

*بخور بمر بهتر تا آرزو به گور بین

boxor o bamir behtar tâ ârezu be gur bin

بخوری و بمیری بهتر است تا نخوری و بمیری و آرزوی خوردن را به گور ببری

در معنی درباره آدمهای خسیس و مقتصد به کار می رود.)

*شهرکی (شهرک نام مکانی است) انگور میچ نیمبو

šahraki angur mij nimibu

انگور روستای شهرک مویز نمی شود. (در معنی امید بی حاصل نداشته باش)

*نه درد داری نه بیماری خودت بزَن به بیعاری

در معنی اگر خودت را به بی خیالی بزنی درد و بیماری (پستی و بلندی زندگی) گریبانگیر تو نمی شود (معادل بزَن بر طبل

بی عاری که آن هم عالمی دارد)

*ریزه موره تا دِمینِه

rize mure tâ demine

مهره ریز را نخ می کند.

(در معنی به کسی گفته می شود که ریزبین و خرده گیر است، معادل مو را از ماست می کشد.)

*چَلِ بَبُو چار نیمبو

čel bebu čâr nimibu

اگر چهل تا بشود ارزش چهار تا را ندارد. (در معنی مفت، گران است.)

*چَلِ و چار شنبه بهم بریختیه

čel o čâr šanbe beham berixti

چهل و چهارشنبه به هم ریخته است.

(در معنی اوضاع شلوغ و به هم ریخته است. معادل شیر تو شیر شده است.)

*گَرَنِه بَزِ نیلین سر چشمه او بخوره

garne boz nilin sar češme ow boxore

بزی که مبتلا به بیماری گری است نگذارید از سرچشمه آب بخورد. (در معنی افراد نالایق را نباید در راس کارها قرار داد.)

*آقای خانه آقوز خیلی نایه اما شمردین

āqāye Xâne aquz xeyli nāye amma šemordiyān

خانه آقا گردو بسیار است اما شمرده شده است.

(در معنی درست است که ثروتمندان مال و منال بسیار دارند ولی مال آنها رو حساب است.)

*سری آلاله بِنی چغاله

sari âlâle beni čaqâle

رویش مثل آلاله قرمز است ولی درونش مثل چغاله سبز است. (معادل از دور دل می برد از جلو زهره یا ظاهر خوب و

فریبنده‌ای دارد ولی بد ذات است)

*دیم دیم ر مینه شرمنده می بو

dim dim re mine šarmande mibu

آدم آدم را ببیند شرمنده می شود. (معادل کوه به کوه نمی رسد ولی آدم به آدم می رسد).

*یه درزن خودت بز یه گوالدوز دیگرانه

ye darzan xodete baz ye govâlduz digârane

یک سوزن به خودت بز یک جوالدوز به دیگران. (در معنی چیزی را برای خودت نمی پسندی برای دیگران هم نپسند).

*همه به کوه می شن تورعلی می شو گیلان

hame be kuh mišan turali mišu gilân

همه به کوه می روند علی دیوانه به گیلان می رود.

(در معنی کسی که کارهای غیرعاقلانه و متضاد با شرایط انجام می دهد).

*تو که می دانی چرا خرک ورورا می رانی

to ke midâni čerâ xarak varvarâ mirâni

تو که راه را می شناسی پس چرا خرت را اشتباه می رانی.

(در معنی کسی که با علم و آگاهی کاری را به اشتباه انجام می دهد).

*آقا آقا خانه در می شو

âqâ âqâ xane de dar mišu

آقا آقا از خانه بیرون می رود.

(در معنی افراد خانواده باید به هم احترام بگذارند تا دیگران به آنها احترام بگذارند).

*کوه ر می شو رود در می آ

kuh re mišu rude dar mia

کوه را می گیرد، از رود سر در می آورد.

(در معنی کسی که زیاد حرف می زند و از مسائل مختلف صحبت می کند).

*خری سوار بین یه عیبه جیر کتن هزار عیب

xari savâr biyan ye eybe jir katen hezâr eyb

سوار خر شدن یک عیب است و افتادن از آن هزار عیب. (در معنی اگر شخصی بخواهد کار کوچکی انجام دهد علاوه بر پستی

آن کار، نقص و عیب آن کار بیشتر مشهود می شود).

*سنگ خودشی جا بو سر سنگینه شل ابو ديه نيمی ارزه

sang xodaši jâ bu sar sangine šal âbu diye nimiarze

سنگ اگر در جای خودش باشد وقار و سنگینی دارد، وقتی لق بزند دیگر ارزشی ندارد.

(در معنی هر چیزی سر جای خودش ارزش دارد.)

*خنده نکن می ماره خودتی سر می آنچه چاره

xande nakon mimâré xodeti sar miyâ č čâre

به مادر بزرگ نخند سرت می آید.

(در معنی دنیا دار مکافات است، اگر کسی را مسخره کنی سرت می آید.)

*زنی که جلفه مثال هرزه قلفه

zani ke jelfe mesâl harze qolfe

زنی که سبک است مثل قفل هرز است.

(در معنی زن سبک مثل قفل هرز بی ارزش و بی خاصیت است.)

*همه ر سگ می ره ما ره کته کا

hame re sag mire mâre kote kâ

همه را سگ می گیرد ما را توله سگ

(در معنی کسی که بد شانس می آورد، کنار دریا هم برود آب دریا خشک می شود.)

*کَلِکِ بِنَا نِه بِي كَلِکِ اِسَا

kalek binâ niya be kalek esâ

کچل را نمی تواند ببیند بدون او هم نمی تواند طاقت بیاورد.

(معادل نه چشم دیدنش را دارد و نه دوریش را می تواند تحمل کند.)

*اوشانی جان جانہ مایی جان بادمجان

ušâni jân jâne mayi jân bâdemjân

جان آنها جان است جان ما بادمجان

(در معنی جان ما بی ارزش است ولی جان خودشان برایشان اهمیت دارد.)

*هر جا می شی پا ور دار روخانه می شی نان ور دار

harjâ miši pâ vardar ruxâne miši nân vardâr

هر جا می روی سریع و تند برو، رودخانه می روی با خود نان ببر (در معنی در گذشته های دور کسانی که در اطراف رودخانه

زندگی می‌کردند چشمشان به دست مهمان بود و سفره کور بودند).

*ارباب زن قیصری چاشت و نهار یه سری

arbâb zen qaysary čâšt o nahâr ye sary

زن ارباب پر مدعا است و به علت بی‌نظمی در کارش صبحانه و ناهارش را با هم می‌خورد.

(در معنی شخصی که بی‌نظم و تنبل است صبحانه و ناهارش را با هم صرف می‌کند).

*ایچه حسنی خانیه هر کی آیه خوسینه

ije hasani xâniya harki âye xosane

اینجا خانه حسن است هر کسی می‌آید می‌خوابد.

(در معنی محیط برای خوابیدن هر کسی مناسب است).

*اسبی هادایم خر هایتیم خوشحالی دِ پر هایتیم

asbe hâdâyem xar hâyitim az xošhâli de par hâyitim

اسب را دادیم خر گرفتیم از خوشحالی بال درآوردیم. (در معنی شخص نادان که جنس ارزشمند را با جنس بی‌ارزش تعویض

می‌کند و در عین حال خوشحال هم می‌شود).

*ترش آلو داری سر نمی‌مانه

torš âlu dâri sar nemimâne

آلو ترش هم روی درخت نمی‌ماند و خورده می‌شود.

(در معنی همه جوانان بالاخره یک روز ازدواج می‌کنند).

*خورده برارک زن می‌خا می‌گه خوار تو شوهر نمینی

xorde barârek zan mixâ mige xoâr to šowhar nemini

برادر کوچک زن می‌خواهد می‌گوید خواهر تو شوهر نمی‌کنی.

*هیچی نرسیه کالک برسیه

hiči naresiya kâlak barasiya

هنوز هیچی نرسیده، میوه کال رسیده است.

(در معنی کوچکترها ادعای بزرگی کرده و پا در کفش بزرگترها می‌کنند).

*کلکی ناظر همه جا حاضر

kalaki nâzer hamejâ hâzer

(در معنی نخود هر آش بودن یا کسی که در همه کارها دخالت می‌کند).

*پسر تا اجباری نشو تی وچه نیه

pesar tâ ejbâri našu ti vače niye

پسر تا به سربازی نرود فرزندت محسوب نمی‌شود.

(در معنی سربازی باعث پختگی و کسب تجربه برای فرزندان می‌شود).

*چار تا مرض تا تی وچه نیره تی وچه نیه

čar tâ maraz tâ ti vače neyre ti vače niya

تا فرزندت چهار بیماری واگیردار نگیرد فرزند تو نیست. (در معنی در گذشته به علت اشاعه بیماری‌های واگیردار مانند آبله

مرغون، سرخک، سرخجه و اریون، تعداد بسیاری از بچه‌ها می‌مردند).

*یک شاخه بیر تا تی ور بیا

yek šâxe beyr tâ ti var biya

شاخه‌ای را بگیر تا بتوانی به سمت خود بکشی

(در معنی در حد توان خودت اقدام کن)

*تی وچه نان کمر دوسا شولا دوش هایت خدا ر شکر ها کن

ti vače nâne kamar davasâ šowlâ duš hâyet xodâre [okr hâkon

بچه‌ات نان را به کمرش بست و لباس کار را به تن کرد، خدا را شکر کن.

(در معنی وقتی بچه‌ات برای کار آماده شد و در اجتماع حضور پیدا کرد خدا را شکر کن.)

*سرخآب سفیدآب زیبا مینه یک روز نبو رسوا مینه

sorxâb sefidâb zibâ mine yek ruz nabu rosvâ mine

لوازم آرایش زیبایی می‌آورد، اگر در دسترس نباشد چهره واقعی انسان نمایان می‌گردد.

*غم خوره، خدا غم هامیده، قند خوره قند.

qam xore xoda qam hōmide qand xore qand

خدا به غم خوار غم می‌دهد و به خوشحال خوشحالی.

(در معنی دنیا را هر طور در نظر بگیری همان‌طور می‌گذرد.)

*یک سال بشیم طارم (نام محلی است) هفت سال آنی غم دارم.

yak sâl bašym târom haft sâl uni qam dârom

یک سال به طارم مسافرتی کردم، هفت سال داغ آن در دلم نشست و گرفتاریش را دارم تحمل می‌کنم

(در معنی یک کاری را در گذشته انجام دادم هنوز هم پشیمان هستم که هنوز گرفتاریش برایم باقی است.)

* یارو دستش میوه ر نمی رسه می گوآ تله

yâru dastaš be mive nemiresa migua tale

یارو دستش به میوه نمی رسد، می گوید تلخ است.

(معادل گربه دستش به گوشت نمی رسد می گوید بو می دهد).

* کار می خا ورد بداره زن می خا مرد

kâr mixâ vard bedâre zane mixâ mard

کار را باید (دستگاه هاف قالی بافی) نگه دارد، زن را هم باید مرد نگه دارد.

(در معنی در کار از وسایل مناسب باید استفاده شود و در خانه هم مرد مکمل زن است).

* کلاچ می گوآ قار قار امان از عمه شو مار

kolač migua qâr qâr amân az amme šumâr

کلاچ می گوید قار قار امان از مادر شوهری که عمه باشد.

* ماهی خودشی قوت نینه دریا نمی شو.

mâhi xodeši qovvate niyne daryâ nemišû

ماهی تا توانایی خودش را نبیند به دریا نمی رود.

(در معنی افرادی که توانایی انجام کاری ندارند ولی ریسک می کنند).

* شو مجی مینی پیری پیشییه، تو میگوی یواشتر بمج

šow meji mini peyri pišiya to miguyi yavâštar bemaj

شب گردی پیشه پدر من است، تو می گویی یواشتر قدم بردار.

* روباه بشا داری سر دم بریده ر عجب نی

rubâh bešâ dâri sar domboride re ajab ney

روباه رفت بالای درخت، یکی برگشت گفت: از این دم بریده بعید نیست. (در معنی آدم حقه بازی که برای رسیدن به اهدافش از

هر وسیله ای استفاده می کند).

* هفتا پسری مار ورگان بخوردن

haftâ pesari mâre vergân bexorden

مادری که دارای هفت پسر بود به وسیله گرگ ها خورده می شود. (در معنی اینکه بی اعتنایی فرزندان به پدر و مادر و بی ارزشی

این دنیا است و عاقبت همه انسان ها تنها می شوند، و در این تنهایی است که انسان خدا را می یابد).

* ورگ پیرآبو کرک خوری یاد گیره

verg pirâbu kerk xori yâd gire

گرگ وقتی پیر می شود، مرغ خوری یاد می گیرد. (در معنی اینکه انسان هایی هستند که در جوانی به هر کاری تن می دهند و مثل گرگ زندگی می کنند ولی به هنگام پیری و ضعف جسمانی دچار خفت و خواری می شوند و به کارهای پستی تن می دهند.)
*ارث خرس نشینه به کفتار

ers xers nešine be kaftar

خرس ارثش به کفتار می رسد. (در معنی پدر هر چه باشد فرزندان هم همان گونه می شوند.)
*دور خرمن خودت بگرد دور جهان نگرد

dowre xarman xodet begard dor jahân nagard

در معنی به آنچه که داری قانع باش و حرص و طمع به مال مردم نداشته باش.
*خر خره حریف نی و میگردد پالان گوشه ر گاز گیره

xar xare harif ne vamigarde pâlan goše re gâz gire

خر خر دیگر را حریف نیست برمی گردد گوشه پالانش را گاز می گیرد (در معنی، دونفر که با همدیگر نزاع می کنند، فردی که ضعیف تر است چون زورش به طرف مقابل نمی رسد از ناراحتی ضعیف تر از خودش را می زند.)
*به قاطر گوین پیرت کیه گویه مارم مادیانه

be qâter guyân piyaret kiye guye marom mâdiyâne

از قاطر می پرسند پدرت کیست؟ در پاسخ می گوید: مادرم مادیانه است. (کاربرد در مورد افرادی که اصل و نسبشان را فراموش کرده اند و بی رگ و ریشه اند.)
*دزد دزد زنه خدا ر خوش میا

dozd dozd o zane xodâ re xoš miyâ

اگر از دزد دزدی شود خدا خوشش می آید. (در معنی کسی که باعث بدبختی دیگری شود اگر شخصی همین بلا را سرش بیاورد خداوند خوشحال می شود.)
*زن قشنگ کی داره مرد ننگین، مرد خوب کی داره زن ننگین

zan qašang ki dâre mard nangiñâ mard xub ki dâreâ zan nangiñ

زن زیبا را کی دارد مرد بیعار و خاصیت، مرد خوب را کی دارد زن شلخته و بی تربیت. (در معنی چیزهای خوب نصیب آدمهای بی خاصیت می شود، معادل سیب سرخ به دست چلاق می افتد.)
*بزم بردم بالای بوم خودم آرم پایین بوم

bozom bâberdom bâlâye bum xodom ârom pâyin bum

بزم را خودم بردم بالای پشت بام، خودم پایین می آورم. (در معنی کاری را که خراب کرده ام خودم آن را درست می کنم.)

*تی خرمنه باد دنی شنه ته هادی منه

ti xarmane bad dany šana te hâdy mane

در خرمن تو باد نیست چنگکت را بده به من.

(در معنی کسی که دیگری را ساده به حساب می آورد و می خواهد از او سوء استفاده کند.)

راویان

- | | |
|--------------------|--------------------------|
| - محمد جعفر معصومی | - نعیم قلی پور |
| - قطمه کاظمی | - امینه کاظمی |
| - نوید قلی پور | - عزیزه صادقی |
| - نسرین قلی پور | - راحله سیاهکالی مرادی |
| - حدیث معصومی | - اسدالله سیاهکالی مرادی |
| - زینب کاظمی | - زهرا سیاهکالی مرادی |
| - سیفور معصومی | - حسین صفاری |
| - نفیسه کاظمی | |

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی